



خساراتی که از عوامل زیان بار می‌گیرد، بین افراد توزیع کند. به نظر می‌رسد در موارد این چنینی نظریه کارایی اقتصادی ما را به سمت مسئولیت عمومی دولت می‌برد و الآن تقریباً در همه دنیا این کار را انجام می‌دهند.

کارایی اقتصادی یعنی چه؟ یعنی ما قواعد مسئولیت را به گونه‌ای بچینیم که به وضعیت بهینه‌ای برسیم؛ فرض کنید دولت بگوید هرکس که در نتیجه این بیماری زیان دیده بیاید و در دادگاه اقامه دعوا کند و خسارتش را از عامل زیان بگیرد. عامل ورود زیان ممکن است دولت یا بخش‌های مختلف، کادر پزشکی، بیمارستان، شرکت هواپیمایی، استانداری، فرمانداری، نیروی انتظامی، ارتش و... یا اشخاص حقیقی و حقوقی باشند؛ اگر افراد بخواهند این طور مطالبه خسارت کنند، اصلاً سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، یعنی هزینه‌های عجیبی برای جامعه خواهد داشت؛ دادگستری باید تا چند سال آینده فقط به دعاوی کرونا رسیدگی کند؛ این یعنی چه؟ به معنی وضعیت غیر بهینه اقتصاد و ضرر برای کل جامعه است، هزینه‌های سنگینی ایجاد می‌کند؛ اما راهکار ساده‌تر چیست؟ اینکه حتی اگر کسی هم مقصر باشد، خود دولت از او خسارت بگیرد، بگوید من متکفل جبران خسارت‌ها در سطح جامعه هستم، نمی‌خواهم هیچ‌کس اقامه دعوا کند، دادگاه هم نمی‌خواهد بروید، مدرک هم نمی‌خواهد بیاورید؛ همین‌که بیمارستان آمدید و دیدیم کرونا دارید، شما را رایگان درمان می‌کنیم. این جبران خسارت است و شاید بتواند بهینه‌ترین وضعیت اقتصادی را ایجاد کند؛ ولی دولت هم باید سراغ مسئولین برود، این طور نباشد کسانی که این وسط مقصر بوده‌اند و مسئولیت قانونی بر عهده‌شان قرار گرفته است، از مسئولیت معاف شوند و بگویند همه را دولت انجام دهد.

اگر بخواهیم نظریه کارایی اقتصادی را اعمال کنیم، باید بیشتر به سمت مسئولیت دولت برویم. دولت می‌تواند منابع لازم را فراهم کند؛ یعنی با توجه به هزینه‌ها و عوامل خطرزا، مالیات، فعالیت‌های عوارض یا حتی خساراتی که از عوامل زیان بار می‌گیرد، بین افراد توزیع کند.

کلاس به بچه‌ها می‌گویم که مخالف «استناد» می‌شود «اتفاق»؛ دیده‌اید بعضی چیزها را در عرف می‌گویند این اتفاقی این طور شد، بعضی وقت‌ها می‌گوئیم نه در شرایط عادی هم این اتفاق قابل پیش بینی بود. طرح بحث‌های قابل پیش بینی از جمله تقصیر برای این است که ما قابلیت استناد را احراز کنیم؛ اما جایی که استناد وجود نداشته باشد (در قانون هم بعضی جاها هست) می‌گوید «اگر اتفاقاً سرایت کند».

با توجه به مطرح بودن نظریه «کارایی اقتصادی قواعد حقوقی»، به نظر شما چطور می‌توانیم مسئولیت را بین عوامل مختلف تقسیم کنیم تا حداکثر کارایی اقتصادی محقق شود؟

دکتر مبین: اگر بخواهیم نظریه کارایی اقتصادی را اعمال کنیم، باید بیشتر به سمت مسئولیت دولت برویم. دولت می‌تواند منابع لازم را فراهم کند؛ یعنی با توجه به هزینه‌ها و عوامل خطرزا، هزینه‌هایی را از محل بودجه، مالیات، فعالیت‌های عوارض یا حتی

به صورت غیر عمدی و به صورت سهوی، از نظر مدنی مسئول است و در حقیقت می‌شود این مسئولیت را برای او در نظر گرفت؛ اما چون مهم‌ترین نکته اثبات رابطه سببیت است و این ثابت شود که فرد مشخصی عامل انحصاری بیمار شدن فرد فوت شده یا آسیب دیده است، آن فرد مسئول است؛ حتی اگر مرتکب تقصیری نشده، خودش عالم نبوده و جاهل بوده باشد، این مسئولیت وجود دارد.

پس شخص آگاه باشد یا باشد، حتی تقصیر هم نداشته باشد، در صورت برقراری رابطه سببیت مسئول است؟

دکتر مبین: بله به نظر می‌رسد بر اساس قوانین و مقررات فقهی کشور به همین ترتیب است.

البته از دلایل مهم این است که فقها بر طبق قاعده لاضرر و تحذیر می‌گویند، اگر فرد آگاه، تکلیف خود را نسبت به اشاعه بیماری انجام ندهد، در واقع اهمال و بی‌مبالائی کرده، طبق قاعده تحذیر، با قاعده لاضرر مسئول است؛ اما شخصی که به بیماری‌اش ناآگاه است، می‌توان گفت با توجه به اینکه در جامعه هشدارهای همگانی داده می‌شود و همه به حالت آماده‌باش و در شرایط اضطراری هستند و بر اساس اصل قاعده فقهی احتیاط و اصل تمهید به ایمنی که می‌گوید از رفتاری پرهیز شود که به حکم عرف، پرخطر است؛ می‌توان برای شخص ناآگاه هم مسئولیت متصور شد.

دکتر مبین: کاملاً درست است؛ مگر اینکه این فرد اقدامات لازم را به طور کامل انجام داده باشد؛ در این صورت اگر شیوع پیدا کند دیگر مستند به این فرد نیست؛ یعنی می‌گوید من همه اقدامات لازم را انجام دادم و مستند به من نیست؛ خیلی وقت‌ها سر